

اصول «ارتباطات میان فردی» بر اساس دیدگاه علامه حلی و استخراج دلالت‌های تربیتی آن

فاطمه وجدانی*

چکیده

کسب مهارت‌های ارتباطی میان فردی موثر، به گونه‌ای که هم رشد و سعادت فردی و هم اهداف والای اجتماعی را تأمین کند، نیازمند وجود الگوهای کارآمد بومی است؛ و آثار بزرگان دینی می‌تواند منبع مفیدی برای استخراج و پردازش چنین الگوهایی باشد. هدف از این تحقیق، دستیابی به اصول ارتباطات میان فردی بر اساس وصیت‌نامه علامه حلی و استخراج دلالت‌های تربیتی مبتنی بر آن (به ویژه برای نوجوانان) می‌باشد. این تحقیق با رویکرد کیفی انجام گرفته است؛ اطلاعات به شیوه اسنادی گردآوری شده، و روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی-استنتاجی است. بر اساس یافته‌ها، اصول ارتباطات میان فردی در سه لایه ارتباطی، به تفکیک بدین ترتیب به دست آمد: الف) اصول ارتباطات عمومی در جامعه (خوش خلقی، صبوری و بزرگواری، اجتناب از ظلم و آسیب رسانی، محافظت از خویش در برابر روابط آسیب رسان)؛ ب) اصول ارتباط با برادران دینی (رفتار یاریگرانه، تبادل فکری و علمی)؛ ج) اصول ارتباط با علما و فضلا (تکرش احترام آمیز، مجالست و مؤانست با عالمان و فضلا، علم آموزی). هم‌چنین، هفت اصل تربیتی برای پرورش ارتباطات میان فردی پیشنهاد گردید: خدامحوری، عقل‌گرایی، خودارزش‌بخشی، مردم‌داری، انتخاب‌گری، شبکه‌سازی رشدگرایانه، و همیاری رفاقتی. تناسب اصول و توصیه‌های ارتباطی فوق با رویکرد اسلامی و نیز چندلایه‌ای و اختصاصی بودن اصول ارتباطی را می‌توان از جمله نقاط قوت دیدگاه علامه حلی دانست.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات میان فردی، علامه حلی، اسلام، تربیت اجتماعی

یکی از شاخصه‌های بلوغ اجتماعی، توانمندی برقراری «ارتباطات میان‌فردی» به صورت شایسته و کارآمد است. انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی، بخش قابل توجهی از ساعات شبانه روز خود را صرف ارتباط با «دیگری» می‌کند؛ عرصه روابط زوجین، فرزندپروری، کلاس درس و روابط تربیتی معلّم-شاگرد، و عرصه دوستی‌های نوجوانان و جوانان، از جمله بخش‌های مهم زندگی هستند که نیازمند ارتباطات میان‌فردی قاعده مند و کارآمد می‌باشند. شایستگی‌های ارتباطی در محیط‌های سازمانی نیز اهمیت زیادی دارد؛ هم برای عملکرد و موفقیت شغلی افراد، و هم برای بهره‌وری کل سازمان. لذا کارفرمایان آن را به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی استخدام و ارتقاء کارکنان در نظر می‌گیرند (دامغانیان، رستگار، و یزدانی زیارت، ۱۳۹۷). محققان نیز شایستگی‌های ارتباطی را نوعی سرمایه انسانی می‌دانند که برای موفقیت مدیران و کارکنان در همه سطوح و بهبود عملکرد سازمان لازم است (جنیفر، وفلد و وان، ۲۰۱۶). در نگاهی کلان تر، ارتباطات مناسب میان اعضای جامعه، در نهایت، انسجام و هویت جمعی، همدلی، محبت و تعاون را در جامعه ارتقاء می‌بخشد.

اگر علاوه بر نگاه روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مدیریتی به این مقوله، آن را به لحاظ تربیتی نیز مورد توجه قرار دهیم، تعاملات میان‌فردی «مدیریت شده» می‌تواند تأثیرات بسزا و سرنوشت‌سازی بر رشد و تعالی علمی، اخلاقی و معنوی افراد داشته باشد.

«ارتباط میان‌فردی» فرایندی است که به وسیله آن اطلاعات، معانی و احساسات توسط افراد از طریق تبادل پیام‌های کلامی و غیر کلامی به اشتراک گذاشته می‌شود (کیتون، کاپوتو، فورد، لیوویتز، لیو و وو، ۲۰۱۳). به عبارت دقیق‌تر، یک تعامل گزینشی، نظام مند، منحصر به فرد، و روبه پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر و محصول این شناخت است و موجب خلق معانی مشترک در بین آنها می‌شود (وو، ۱۳۸۴: ۵۷). طبق این تعریف، ارتباط میان فردی، «گزینشی» است؛ چون فقط با

1. Jennifer, Wefald & Van
2. Interpersonal Communication interpersonal communication
3. Keyton, Caputo, Ford, Leibowitz, Liu & Wu
4. wood

عده قلیلی ارتباط میان فردی عمیق برقرار می‌کنیم و غالب ارتباطات ما نسبتاً سطحی هستند. «نظام مند» است؛ چون شرایط و وضعیت، زمان، مردم، فرهنگ، پیشینه شخصی و... بر معنای ارتباطات میان فردی تأثیر می‌گذارند؛ «منحصر به فرد» است؛ چون این روابط فراتر از نقش‌های اجتماعی است و افراد بی‌بدیل هستند؛ و این فرایند «رو به پیشرفت و مداوم» است؛ یعنی به تدریج متکامل‌تر و عمیق‌تر و با معناتر می‌شود؛ گاهی نیز به تدریج افت می‌کند (وود، ۱۳۸۴: ۵۷-۶۲).

فقدان مهارت در این امر مهم می‌تواند به خود فرد، مخاطب ارتباط و کل جامعه لطمات جدی وارد نماید؛ به طوری که گاه ارتباطات ضعیف و ناکارآمد، رایج‌ترین منبع تعارض میان افراد دانسته شده است (عزیزی و زندی‌پور، ۱۳۹۳) و یا به‌عنوان بازدارنده‌ترین نیرو بر سر راه عملکرد موفق یک گروه مطرح شده است (رابینز، ۲۰۰۵). مسأله اینجاست که توانایی افراد در برقراری ارتباط و اصولاً اشکال مختلف ارتباط، اغلب اوقات امری بدیهی پنداشته می‌شود (بلیک و هارولدسون، ۲، ۱۳۹۰: ۱۷). به اعتقاد صاحب‌نظران، به دلیل پیچیدگی فوق‌العاده ارتباطات انسانی، با این که انسان‌ها در سراسر جهان پیوسته در حال برقراری ارتباط هستند، تنها تعداد خیلی کمی از آن‌ها در این امر متخصص و حرفه‌ای می‌باشند (فلوید، ۳، ۲۰۰۹: ۲۰). برخی افراد ممکن است در سطح ناخودآگاه یا نیمه آگاه- و نه آگاهانه و کنترل شده- به این امر مبادرت ورزند، برخی دیگر، از سبک‌های ارتباطی نامناسبی هم چون سبک سلطه‌گرانه، پرخاشگرانه یا سلطه جویانه استفاده می‌کنند (قربانی، ۱۳۹۴)، برخی دیگر ممکن است به شیوه‌ای غیرانطباقی، یک الگوی تعاملی یک‌نواخت را در برابر همگان در پیش بگیرند؛ بدون آن‌که به لایه‌های گوناگون ارتباطات میان فردی توجه کنند، و برخی دیگر هرگز توانایی «انتخاب» مخاطبین ارتباط و مهارت مدیریت هدف‌مند آن را کسب نکرده باشند.

با این که مهارت در این عرصه نیز همانند سایر توانمندی‌های انسانی از پایه‌های ارثی برخوردار است، اما بخش قابل توجهی از این مهارت، آموختنی و اکتسابی است و در زمینه هوش اجتماعی، ژن‌ها خود را در تعامل با محیط نشان می‌دهند (گلمن، ۴، ۱۳۹۷: ۱۷۲).

1. Robbins
2. Black, & Haroldson
3. Floyd
4. Goleman

به‌همین دلیل، متخصصان و کارشناسان امر، کتاب‌های کاربردی زیادی در این زمینه نوشته‌اند (مانند: حسینی بیرجندی، ۱۳۹۳؛ محسنیان‌راد، ۱۳۹۴؛ قربانی، ۱۳۹۴، حسینی، ۱۳۹۴؛ امیلی پست، پیتر پست، آنا پست، لیزی پست و دانیل پست^۱، ۱۳۹۶) و امروزه کارگاه‌های آموزشی فراوانی در این زمینه برگزار می‌شود.

آموزش مهارت‌های ارتباط میان فردی، بخشی از برنامه تربیت اجتماعی است. این امر، به ویژه برای نوجوانان که جهت کسب هویت اجتماعی خود، به‌سرعت به گروه‌ها می‌پیوندند، و همچنین، تأثیرپذیری بیشتری از اطرافیان دارند، اما در عین حال، هنوز پختگی فکری لازم را در این زمینه کسب نکرده‌اند (کارلیسل^۲، ۱۳۹۶)، بسیار ضروری است. یک سؤال مهم در این زمینه این است که ارتباطات مطلوب بین فردی، دقیقاً به چه صورتی است و در این زمینه چه چیزهایی را باید به متریبان آموخت.

البته پیش‌تر نیز پژوهشگران و اندیشمندان نظرات گوناگونی را در این زمینه مطرح نموده، و تلاش کرده‌اند تا معیارهایی را در اختیار قرار دهند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

وود (۱۳۸۴) «ارتباط میان فردی ماهرانه» را مورد تحلیل قرار داده و آن را معادل رابطه برقرار کردن با دیگران به شکلی کارآمد و مناسب می‌داند. «کارآمد» بودن به معنای دست یافتن به اهدافی است که با برقراری تعامل مورد نظر در صدد دست یافتن به آنها هستیم. «مهارت» مستلزم مناسب بودن نیز هست. ارتباطی «ماهرانه» است که با شرایط و موقعیت و بافت ارتباطی و افراد منطبق باشد. یکی دیگر از شرایط ارتباط میان فردی ماهرانه، تعهد نسبت به ارتباط کارآمد و اخلاقی است. یعنی اولاً، انسان در زمینه ارتباطات خود احساس نگرانی و مسئولیت داشته باشد؛ ثانیاً، با طرف مقابل خود مثل یک انسان بی‌نظیر و ارزشمند برخورد کند؛ ثالثاً، برای خودش و عقاید و احساساتش احترام قائل باشد، و در نهایت، ارتباطاتش متعالی و در حال تحول مثبت باشد (وود، ۱۳۸۴: ۸۳ و ۹۰).

از دیدگاهی دیگر، شایستگی‌های ارتباطی شامل سه دسته شایستگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری می‌شود که بعد شناختی مربوط به مهارت‌های تبادل و تفسیر اطلاعات است؛ بعد عاطفی شامل تأثیر مرکز کنترل افراد بر تعاملات بین فردی و انگیزه برای

1. E. Post, P. Post, A. Post, L. Post, & D. Post
2. Carlisle

ارتباط به‌طور شایسته و نزدیک شدن یا اجتناب از موقعیت‌های ویژه یا دستیابی به اهداف خاص در تعاملات است؛ و بعد رفتاری مربوط به مهارت‌هایی برای انتخاب و اجرای استراتژی‌های مناسب برای رسیدن به اهداف شخصی است (پپسا و تارجا، ۲۰۱۳).

به نظر می‌رسد که زمینه‌های مناسبی برای فعالیت و نظریه‌پردازی در عرصه ارتباطات وجود دارد؛ رهایی از انحصار در الگوهای غربی، پژوهش در مورد دیدگاه‌های ناب اسلامی، و به‌دست آوردن مدل‌های منطبق با فرهنگ اسلامی، از عرصه‌های نواندیشی در این حوزه بوده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (مولانا، ۱۳۹۰: ۱۴۵)؛ به‌ویژه که به نظر می‌رسد سبک‌های تعاملی در اسلام و غرب به دلیل تفاوت در بنیادهای فلسفی و نظری، تفاوت‌های جدی دارد (حیدرپور، صادق‌زاده قمصری و سجادی، ۱۳۹۷). برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌های صاحب‌نظران کشورمان در این زمینه بدین قرارند:

فرهنگی (۱۳۷۹)، به پنج ویژگی به‌عنوان ویژگی‌های ارتباط میان‌فردی اثربخش اشاره می‌کند: گشودگی^۱، همدلی^۲، حمایت‌گری^۳، مثبت‌گرایی^۴ و تساوی^۵. گشودگی بدین معناست که فرستنده پیام مشتاق است که با یک گشودگی نسبی با طرف ارتباط مواجه شود و آگاهانه و کنترل شده، احساسات و تفکرات خود را به اطلاع مخاطب می‌رساند. همدلی یعنی احساسی را تجربه کردن که دیگری نیز همان احساس را تجربه کرده باشد. برای همدلی باید اولاً از ارزیابی و قضاوت رفتار طرف مقابل پرهیز کرد و ثانیاً او را شناخت و نگاه کوشید که او را بر اساس نگرش‌ها و توانایی‌های خودش تجربه نمود. حمایت‌گری نیز بدین معناست که خود را از نظر پایگاه اجتماعی در تراز مخاطب خود قرار دهیم و از نشان دادن برتری‌های خود به او پرهیز کنیم؛ برای این کار لازم است میزانی از تردید و عدم یقین را و عدم جزمیت را در پیش گرفت تا این فرصت را به مخاطب بدهیم که خود را نشان بدهد و ارزیابی کند. در مثبت‌گرایی نیز هم نسبت به خود و هم نسبت به طرف ارتباط احساس مثبتی داریم و احساس مثبتی

1. Pipsa & Tarja
2. openness
3. empathy
4. supportiveness
5. positiveness
6. equality

هم به دست می‌آوریم. همچنین، تساوی به معنی حاکمیت فضایی مبتنی بر تساوی، تأکید بر نقاط مشترک و برقراری تعادل میان آنها از نظر گفتاری و شنیداری است؛ به گونه‌ای که طرفین ارتباط با آزادی و به‌راحتی به داد و ستد اطلاعاتی و عقیدتی بپردازند (فرهنگی ۱۳۷۹: ۱۱۲-۱۲۲).

قربانی (۱۳۹۴) نیز مؤلفه‌های ارتباط یاری بخش را شامل چهار مؤلفه: اصالت و هماهنگی، احترام نامشروط، درک و همدلی و ایجاز در گفتار می‌داند. رفتار اصیل، صادقانه است و میان فکر و احساس درونی با رفتار آشکار و ظاهری هماهنگی وجود دارد. احترام نامشروط نیز به معنای حفظ حرمت افراد حتی در شرایطی است که از دست آن‌ها عصبانی هستیم و قصد برخورد و تنبیه آن‌ها را داریم. احترام نامشروط سبب شکل‌گیری رابطه صمیمی، ایمن و اثربخش می‌گردد. مراد از همدلی نیز، حساسیت نشان دادن برای فهم دقیق افکار و احساساتی است که فرد مقابل آن‌ها را در لحظه‌لحظه ارتباط تجربه می‌کند. همدلی خود، منوط به احترام نامشروط و گوش دادن دقیق به فرد مقابل است. و در نهایت، مراد از ایجاز در گفت و گو، استفاده از حداقل کلمات برای منتقل کردن حداکثر پیام است؛ به نحوی که مخمل پیام نباشد. بدیهی است ایجاز در گفت‌وگو از اتلاف وقت و انرژی افراد در ارتباطات پیش‌گیری می‌کند و سرعت دستیابی به اهداف را تسهیل می‌نماید (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۲۱).

دامغانیان، رستگار، یزدانی و زیارت (۱۳۹۷) نیز تلاش نمودند تا مدلی را برای شایستگی در ارتباطات بین فردی در سازمان، طراحی کنند. در آن مدل، ۱۳ مؤلفه به‌عنوان شاخصه‌های شایستگی شناسایی گردید: حمایت‌گری (تأیید دیگران، توصیف و نه ارزیابی آنها؛ صمیمیت، برابری طلبی، توسعه جو اعتماد، عدم غلبه بر دیگری، مراقبت، محبت و کمک به دیگران)، انعطاف‌پذیری رفتاری (سازگاری و توافق‌پذیری؛ انطباق‌پذیری، همکاری)، خودگشودگی مناسب (افشای اندیشه‌ها و احساسات به شیوه‌ای که منطبق با زمان، مکان و انتظارات باشد)، جرأت‌مندی (ایستادگی بر حقوق خود بدون زیر پا گذاشتن و انکار حقوق دیگران)، راحتی اجتماعی (احساس راحتی، عدم هیجان و ارتباط‌گریزی کم در تعاملات روزانه، حفظ خونسردی و آرامش در طول تعاملات)، همدلی (ایجاد احساس مشترک و درک کردن احساس دیگران، آگاهی اجتماعی، دلسوزی)، مدیریت تعاملات (مشخص کردن موضوعاتی که باید به بحث گذاشته شوند،

رعایت نوبت، شروع و پایان گفت‌وگو، توسعه موضوعات گفت‌وگو، تغییر موضوعات)، بیانگری (شیوایی و رسایی کلام برای بیان افکار و احساسات، استفاده از کلمات مناسب، زبان بدن)، مستقیم و بی‌واسطه بودن (در دسترس بودن؛ شخصاً در فرایند ارتباطات حضور داشتن و ایجاد صمیمیت با شریک ارتباطی)، هدف محوری (توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و کسب لذت و رضایت از ارتباط؛ اثربخشی، کنترل محیطی، رضایت‌مندی)، دیگر محوری (تمرکز و توجه به شریک ارتباطی، گوش دادن، تمایل، توجه، علاقه و تحمل و احترام به عقاید و نظرات دیگران؛ توجه به نیازهای دیگران، کمک به دیگران)، تأثیرگذاری بر دیگران (متقاعد کردن دیگران، کسب موافقت دیگران)، و مدیریت تعارض (شناسایی حوزه‌های توافق و عدم توافق، مدیریت حل مسأله، مدارا، مدیریت تنوع و تعارض، تحمل ابهام).

برخی پژوهش‌ها نیز بارویکرد اسلامی به انجام رسیده‌اند. از جمله، گلاب‌بخش (۱۳۹۰) عناصر پایداری ارتباط میان‌فردی را در قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌ها، موارد: گزینش دوست، آزمایش دست، ادای حقوق متقابل، حلم و صبر، کنترل کلام، رعایت انصاف، سودمند و مفید بودن، رعایت حریم‌ها، محبت قلبی، اعلام محبت، درک محبت، اهل احسان بودن، حسن خلق، گذشت از لغزش‌ها، عیب پوشی، عذرپذیری و حسن ظن به‌عنوان عناصر پایداری ارتباط به‌دست آمده‌اند.

مهدی‌زاده (۱۳۹۴) نیز الگوی ارتباطات انسانی مطلوب را در فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌ها، کلیه ارتباطات انسانی در جامعه اسلامی باید بر مبنای توحید و ولایت‌مداری باشد و حیثیات مخاطبان در نحوه برقراری ارتباط با ایشان ملاحظه شود؛ به گونه‌ای که ارتباطات مطلوب دینی با توجه به درجه دین‌داری افراد و تولی و تبری شکل بگیرد.

کوشی، موسی‌پور، محبی و آرمنند (۱۳۹۷) با توجه به مفاهیم ارزشی اسلام، مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را با رویکرد اجتماعی برای دوره ابتدایی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در بعد باور مؤلفه‌های زیر را مطرح نمودند: احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سعه‌صدر، پرورش روحیه دگرخواهی، و گفت‌وگو. و در بعد رفتار به مؤلفه‌های زیر دست یافتند: تعلق به هویت جمعی و حفظ آن، پرورش روحیه آزادی، همزیستی مسالمت‌آمیز، وفای به عهد و پیمان، پای‌بندی به دستورات اخلاقی و مسئولیت اجتماعی.

با تأمل در آثار موجود می‌توان دریافت که تا کنون اقدامات ارزشمندی انجام شده و گام‌های مهمی در جهت اصلاح فرهنگ عمومی و تقویت ارتباطات میان‌فردی در جامعه برداشته شده است. با این حال، برای تربیت، هم‌چنان نیاز به دیدگاه‌هایی داریم که اولاً با فرهنگ اسلامی تناسب دقیق‌تری داشته و نیل به اهداف و آرمان‌های اسلامی را به صورت قوی‌تری تسهیل نمایند؛ ثانیاً، لایه‌های مختلف ارتباطات میان‌فردی را به تفکیک مد نظر قرار دهند و ثالثاً، برای تنظیم و مدیریت ارتباطات در هر یک از این لایه‌ها، به تفکیک، اصول و قواعد دقیق، روشن و قطعی در اختیار نهند تا بر اساس آن بهتر بتوان به طرح‌ریزی برنامه‌های تربیت اجتماعی پرداخت.

برای دستیابی به این هدف، علاوه بر متون اصیل اسلامی هم چون قرآن کریم، مراجعه به توصیه‌ها و آموزه‌های بزرگان و علمای دینی نیز که خود، پرورش یافتگان مکتب وحی هستند، می‌تواند ما را در دستیابی به الگوهای ارتباط کارآمد میان‌فردی یاری کند. در این میان، وصیت‌نامه‌ها و سفارش‌های اخلاقی بزرگان را نیز می‌توان منبع ارزشمندی برای هدایت مخاطبان دانست؛ چرا که هر بزرگی، در حساس‌ترین ایام زندگی‌اش، مهم‌ترین و راهبردی‌ترین سفارشات خود را برای عزیزترین کسانش بر جای می‌گذارد. در وصیت‌نامه‌های اخلاقی، عالمان ژرف نگر شیعه، وصیت‌های ارزشمندی به ارث گذاشته‌اند که شایسته است مانند سایر آثار این بزرگان مورد شناسایی و مطالعه قرار گیرد. از جمله این وصیت‌نامه‌ها، وصیت‌نامه علامه حلی به فرزندش، فخرالمحققین است که در انتهای کتاب ارزشمند قواعد الاحکام آمده (و ترجمه این وصیت‌نامه در شماره ۱۴ مجله پیام حوزه (۱۳۷۶) به چاپ رسیده است).

حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) معروف به علامه حلی، فقیه و متکلم شیعه در قرن هشتم هجری دارای آثار زیادی در حوزه اصول، فقه، تفسیر، منطق، کلام و رجال است که برخی از آنها در حوزه‌های علمیه شیعه جزو منابع تدریس و تحقیق به‌شمار می‌آیند. او در رواج مذهب شیعه در ایران و در گسترش فقه شیعه نقشی مهم داشت و نیز مبانی کلامی و اعتقادی شیعه را با تکیه با مبانی عقلی تبیین کرد. کتاب‌های باب حادی عشر (۱۳۸۶) و کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (۱۴۰۷ ق) او که شرح تجرید الاعتقاد خواجه طوسی است جزء منابع اصلی مطالعه اعتقادات شیعیان به‌شمار می‌رود. ایشان نخستین کسی بود که با لقب آیت‌الله خوانده شد (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۵: ۴۰۲).

از علامه حلّی یک وصیت‌نامه کم حجم ولی پر مغز نیز بر جای مانده است. هدف از این تحقیق، دستیابی به اصول ارتباطات میان فردی بر اساس وصیت‌نامه علامه حلّی و استخراج دلالت‌های تربیتی مبتنی بر آن می‌باشد؛ چرا که آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به اجتماع و برقراری ارتباطات اجتماعی مطلوب یکی از مهم‌ترین وظایف آموزش و پرورش هر کشوری است (مروتی، حسینی نیا، سیفعلی‌ئی، ۱۳۹۷). لذا سؤالات پژوهش عبارتند از:

- ۱) اصول ارتباطات میان فردی بر اساس دیدگاه علامه حلّی کدامند؟
- ۲) چه نسبتی میان «ارتباطات میان فردی» با «ارتباط با خدا» و «ارتباط با خود» می‌توان برقرار کرد؟
- ۳) بر اساس یافته‌ها، چه اصول تربیتی را برای پرورش مهارت‌های ارتباطات میان فردی می‌توان مطرح نمود؟

روش پژوهش

این تحقیق با رویکرد کیفی انجام گرفته، شیوه گردآوری اطلاعات، شیوه اسنادی است. روش پژوهش برای پاسخ‌گویی به سؤال اول و دوم تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی^۱ است. در روش تحلیلی، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست می‌آید، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۶). ابتدا وصیت‌نامه علامه حلّی، با توجه به اهداف پژوهش، مورد بررسی تحلیلی قرار گرفت و اصول ارتباطات سه گانه آدمی («ارتباطات میان فردی»، «ارتباط با خدا» و «ارتباط با خود») استخراج شد و سپس نسبت میان آن‌ها مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. هم‌چنین، روش تحقیق برای پاسخ‌گویی به سؤال سوم تحقیق روش استنتاجی است. در شیوه استنتاجی، گزاره‌ای از دل گزاره یا گزاره‌های دیگر استخراج می‌شود (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۴۳). به عبارت دقیق‌تر، علاوه بر ثبت آنچه در دیدگاه کلی‌تر (دیدگاه مبنا) در مورد تعلیم و تربیت وجود دارد، زمانی که اشاره مستقیمی به بحث‌های تربیتی نباشد نیز، پژوهشگر اقدام به اقتباس، تهیه و ارائه پیشنهادهاى خاص تربیتی می‌نماید که در توافق با آن دیدگاه کلی هستند. شیوه استنتاجی رایج‌ترین روش

در فلسفه تعلیم و تربیت است (اسمیت، ۱۳۷۱: ۷۹۰). در اینجا نیز دلالت‌های تربیتی بحث برای تقویت مهارت ارتباطات میان‌فردی (در قالب اصول تربیتی) استنتاج شده‌اند. منظور از اصول تربیتی، دستورالعمل‌های کلی است که در امر تربیت به‌عنوان راهنمای کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۴: ۶۴). لازم به ذکر است که در این تحقیق، در زمینه ارتباطات میان‌فردی، ارتباطات خاص مانند روابط خانوادگی مدنظر نیست و صرفاً ارتباطات میان‌فردی عمومی در عرصه اجتماع، مدنظر قرار گرفته است.

سطوح ارتباطی و اصول آن‌ها، بر اساس دیدگاه علامه حلی

معمولاً حوزه‌های ارتباطی انسان را مشتمل بر چهار حوزه ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با هم‌نوعان و ارتباط با طبیعت می‌دانند (سبحانی نیا، ۱۳۹۲: ۱۵). با تأمل در مفاد وصیت‌نامه علامه به پسرش نیز می‌توان دست کم سه سطح از ارتباطات را استنتاج نمود.

اول - اصول ارتباط با خداوند:

ارتباط با خداوند به صورت بنیادین به کل زندگی و از جمله روابط میان‌فردی فرد جهت و معنا می‌دهد. در وصیت‌نامه علامه حلی می‌توان عبارات زیر را در این ارتباط مورد توجه قرار داد:

تو و التزام به پیروی او امر خداوند تعالی و انجام دادن آن چه او می‌پسندد و پرهیز از آن چه او، ناخوش دارد و دوری از نواهی خداوند تعالی... تو و التزام به صبر و توکل و رضا... تو و التزام به نماز شب... تو و التزام به تلاوت قرآن عزیز و تفکر در معانی آن و رعایت اوامر و نواهی اش (وصیت‌نامه)

با تأمل در این عبارات، می‌توان پنج اصل ارتباطی با خداوند مطرح نمود:

- عزیز دانستن کلام الهی، تلاوت کلام الهی و تفکر در معانی آن
- تحکیم ارتباط خود با خداوند (راز و نیاز و خلوت با خدا)
- اولویت دادن رضا و خوشایند الهی بر خوشایند شخصی
- قرآن را برنامه زندگی قرار دادن و التزام و تعبد و پیروی از اوامر و نواهی خداوند
- صبر و توکل و رضا

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اولویت دادن مطلق به برنامه زندگی الهی (در عالم نظر و نگرش)، و التزام مطلق به پیروی از اوامر و نواهی خداوند در تمام امور زندگی (در عالم عمل و رفتار)، مسیر زندگی را به صورت بنیادین مشخص می‌کند و به تمامی فعالیت‌های زندگی جهت می‌بخشد؛ و البته این مسیری دشوار است که جز با صبر و توکل و رضا نمی‌توان آن را پیمود. در واقع، سایر ابعاد ارتباطی انسان نیز تحت تأثیر این آرمان، شکل مناسب خود را خواهند یافت و توصیه‌های علامه با درک این منبع جهت دهنده، معنادار خواهند شد.

دوم - اصول ارتباط با خویشان

رفتار ارتباطی درون فردی، عرصه مهمی از ارتباطات انسانی است و حتی بر رفتار ارتباطی برون فردی مقدم و مؤثر است (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۵). در وصیت‌نامه علامه حلّی می‌توان عبارات زیر را در زمینه ارتباط با خویشان مورد توجه قرار داد:

برایت وصیت می‌کنم به این که همدوش با تقوای الهی باشی؛ که آن، به یقین، «سنت پایدار» و «واجب حتمی» و «سپر نگه‌دارنده» و «توشه ماندگار» است. و [آن] پرسودتر چیزی است که انسان برای روزی که چشم‌ها، از هیبت آن روز، گشاده و خیره می‌ماند و یار و یاور نیست، خواهد داشت... تو و التزام به پیروی اوامر خداوند تعالی و انجام دادن آن چه او می‌پسندد و پرهیز از آن چه او، ناخوش دارد و دوری از نواهی خداوند تعالی... زندگی‌ات را در تحصیل کمالات نفسانی، سپری ساز و اوقات ات را در «کسب فضایل علمی» و «عروج از پستی نقص به بالاترین نقطه کمال» و «اوج گیری در آسمان عرفان و نه سقوط به جایگاه جهال» و «گرایش عاشقانه به پسندیده‌ها» و... بگذران!... باید، امروزت از دیروزت بهتر باشد... هر روز و شب، محاسبه نفس کن! از خداوند، بسیار آموزش بخواه!... تو و التزام به کوشش فراوان برای افزودن علمات و ژرف‌نگری در دین (وصیت‌نامه).

با تأمل در این عبارات نیز می‌توان پنج اصل برای ارتباط مناسب با خویشان مطرح کرد:

- خودآگاهی، توجه به ابعاد گوناگون زندگی و تمرکز بر آرمان‌های والای خویش

- معنویت‌گرایی توحیدی در اعمال و رفتار خویش (اولویت رضایت الهی)
- اتخاذ رویکرد تحولی در زندگی و اصالت کمالات نفسانی بر جنبه‌های زودگذر مادی

- خودمراقبتی، خویش‌داری و خودکنترلی
- خودارزیابی دائمی (محاسبه نفس)، خود انتقادی و توجه به کاستی‌های خویش
- تقویت بعد علم و آگاهی خویش
- مدیریت عواطف و گرایش‌ها: گرایش عاشقانه به پسندیده‌ها/ محور قرار دادن خوشایند الهی و هماهنگی خوشایند خود با خوشایند الهی
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دایره وظایف انسان نسبت به خویش‌گسترده است و علامه تمام حوزه‌های علمی، عاطفی و رفتاری را مد نظر داشته و توصیه‌های لازم را بیان فرموده است.

سوم- اصول ارتباطات میان‌فردی با توجه به سطوح ارتباطی

این سطح ارتباط را می‌توان با توجه به مخاطبان ارتباط به چند لایه تقسیم بندی نمود:

۳-۱) ارتباطات عمومی در جامعه

در این زمینه می‌توان عبارات زیر را در وصیت‌نامه علامه حلی مورد توجه قرار داد: زندگی ات را در... «پاسخ درشت‌خو را به سخن نیکو گفتن» و «نیکورفتار را با چهره باز پذیرفتن» بگذران... تو و پرهیز از رفاقت با انسان‌های پست و هم‌نشینی با افراد نادان؛ زیرا رفاقت و هم‌نشینی با آنان، خلق و خوی ناپسند و باطن پست بر جا می‌نهد... از نفرین مظلوم بترس!... که خداوند در مورد شکستن دل شکسته، گذشت نمی‌کند... تو و التزام به خوشرویی که به فرموده پیامبر (ص)، همانا شما را نرسد که با اموال‌تان، تمامی افراد را در آسایش قرار دهید؛ لذا، آنان را با اخلاق‌تان خشنود سازید (وصیت‌نامه).

با تأمل در این عبارات نیز می‌توان چهار اصل برای ارتباطات عمومی در جامعه مطرح نمود:

- گشاده‌رویی، خوش‌خلقی و خشنود کردن دیگران

- صبوری، بزرگواری و اجتناب از مقابله به مثل

- اجتناب از ظلم و آسیب رسانی به دیگران

- محافظت از خویش در برابر روابط آسیب رسان (پرهیز از روابط صمیمی با ناهلان)

رعایت این اصول منجر به رشد شخصیتی در خود فرد، و از سوی دیگر، برقراری آرامش و توسعه و تبلیغ اخلاق مداری و کرامت در جامعه می‌شود. در مجموع، می‌توان این بخش را به صورت «حق‌مداری، کرامت و مدیریت» خلاصه نمود.

۲-۳) ارتباط با برادران دینی

علامه حلی در این زمینه این عبارات را دارند:

زندگی‌ات را در... «یاری برادران دینی» بگذران!... تو و پرهیز از کتمان دانش و بازداشتن شایستگان از فراگیری علمت (وصیت‌نامه)

با عنایت به عبارات فوق می‌توان دو اصل برای ارتباطات با برادران دینی مطرح کرد:

- رفتار یاریگرانه

- تبادل فکری و علمی

این بخش را نیز می‌توان به صورت «همیاری علمی و عملی» خلاصه نمود. مشارکت می‌تواند مشتمل بر دگریاری (کمک یک طرفه بدون انتظار کمک متقابل که نوعی بخشش محسوب می‌شود) یا همیاری (کمک دوسویه) باشد که حالت اخیر در افزایش همبستگی و دیگر دوستی بسیار مؤثر است (فرهادی، ۱۳۸۸: ۳۲۲-۳۳۴). تعاون میان برادران دینی نیز از هر دو نوع وبه ویژه از نوع همیاری و تعاون می‌تواند باشد.

۳-۳) ارتباط با علما و فضلا

در زمینه نحوه ارتباط با علما و فضلا می‌توان عبارات زیر را در وصیت‌نامه علامه حلی مورد توجه قرار داد:

تو و التزام به همدوشی با عالمان و نشست و برخاست با فاضلان؛ که آن، برای کسب کمالات، زمینه کامل را فراهم می‌سازد و برایت، توان و مهارت دریافتن پاسخ مجهولات را، به دنبال دارد... تو و التزام به بزرگداشت علما و احترام به آنان؛ که به فرموده پیامبر (ص) هر که، مسلمان دین‌شناس را، گرمی دارد، در قیامت، خدا را، راضی و خوشحال از او خواهد یافت. و هر که، مسلمان دین‌شناس را، کوچک شمارد

و اهانت کند، در قیامت، خدا را، ناراضی و خشمگین از او، خواهد یافت. و نیز حضرت رسول الله (ص) نگاه به چهره عالمان، نگاه به در خانه عالمان را عبادت خوانده است و رفت و آمد با دانشمندان را عبادت شمرده است. تو و پرهیز از کتمان دانش و بازداشتن شایستگان از فراگیری علمت (وصیت نامه)

با تأمل در این عبارات می توان سه اصل برای ارتباط مناسب با علما و فضلا مطرح کرد:

- نگرش احترام آمیز

- مجالست و موانست با عالمان و فضلا

- علم آموزی

این بخش از ارتباط میان فردی را می توان ارتباط علمی دانست. «ارتباط علمی» به مفهوم این است که اندیشه ای میان خالقان علم رد و بدل گردد یا اندیشه ای از نقطه ای به نقطه دیگر جریان یابد (حری، ۱۳۸۳). بی گمان ارتباط علمی یکی از زمینه ها و شرایط توسعه علمی است؛ و بدون وجود آن امکان انتقال دانسته ها و دستاوردهای علمی میسر نخواهد شد. گرفتن پاسخ برای پرسش هایی معین، شناخت جریان های اصلی در حوزه های علمی، بررسی اعتبار اطلاعات با کمک شواهد تکمیلی، کسب دیدگاه جدید یا وسعت بخشیدن به دامنه علاقه و توجه، دریافت بازخورد درباره آثار علمی از جمله کارکردهای ارتباطات علمی هستند (نوکاریزی و نارمنجی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷). صاحب نظران نیز بخشی از کارکردهای ارتباطات میان فردی را کمک به خود شکوفایی و رشد و تعالی افراد می دانند که عمدتاً از طریق ارتباط با بزرگان و رهبران مذهبی و تعالیم آنها تامین می شود (وود، ۱۳۸۴: ۳۱-۴۱). در مجموع، این بخش از ارتباطات میان فردی را بر اساس دیدگاه علامه می توان به صورت «احترام، همنشینی و شاگردی» خلاصه نمود (جدول ۱).

جدول ۱. اصول ارتباطی برای مخاطبان مختلف

اصول ارتباط	مخاطب ارتباط
حق مداری، کرامت و مدیریت	عموم مردم
همیاری علمی و عملی	برادران دینی
احترام، همنشینی و شاگردی	علما و فضلا

این سبک ارتباطی، منسجم و هدف مند بوده، فرد را از فرهنگ پذیری های تحمیلی حفظ می کند و او را در جهت هدف اصلی (کسب رضایت الهی) یاری می دهد.

رابطه طولی میان سه سطح ارتباطی

به نظر می رسد که با عنایت به هدف نهایی زندگی در اسلام که همانا قرب به خداوند متعال می باشد (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)، می توان میان سه سطح ارتباطی فوق الذکر، با محوریت توحید، ارتباطی طولی برقرار نمود؛ به گونه ای که تعیین کننده بنیادین تمامی ارتباطات انسان را نحوه ارتباط او با خداوند دانست (نمودار ۱):



نمودار ۱. رابطه طولی میان سه سطح ارتباطی

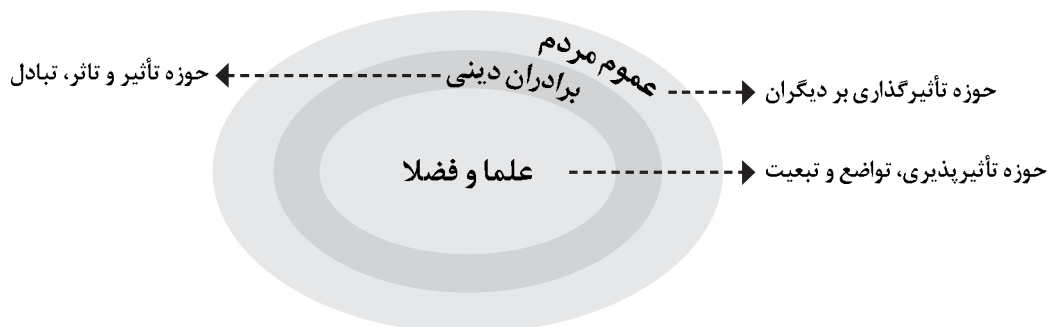
در این جا نحوه ارتباطات با توجه به «هدف» ارتباط مشخص می‌شود. و با وضعیت ترسیم شده، ارتباط از شناخت خود و خودیابی آغاز می‌شود و به رشد «خود» در جهت مطلوب می‌انجامد. به عبارت دیگر، انسان بصیرت یافته، مسیر سعادت‌مندی خود را در جهت کسب رضای الهی در می‌یابد و سایر فعالیت‌های زندگی از جمله ارتباطات میان‌فردی را نیز بر همان اساس تنظیم می‌کند.

خودیابی و بصیرت ← تنظیم و بهبود ارتباطات میان‌فردی ← رشد و تعالی «خود»

در نگاه علامه حلّی، تک تک کنش‌های ارتباطی با توجه به هدف ارزشی، مهندسی می‌شود تا فرد را در جهت تحقق هدف ارزشمند تقویت نماید.

گاه گفته می‌شود که هدف از کنش‌های هر شخص در هر جامعه و در هر مقطع زمانی متفاوت با اوضاعی دیگر است و هدف از برقراری ارتباط نیز در هر لحظه ممکن است جدا از لحظه قبل باشد (محسنیان‌راد، ۱۳۹۴: ۳۹۴)؛ اما با تأمل در دیدگاه علامه شاید بتوان گفت که هدفی مشترک و معنوی به صورت یک‌نواخت کلیه ارتباطات و کنش‌های اجتماعی انسان مؤمن را جهت و شکل می‌دهد.

هم چنین، گفته می‌شود که سهم عمده‌ای از هدف برقراری ارتباط، تأثیرگذاری است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۴: ۳۹۴)؛ درحالی‌که در رویکرد علامه، هدف اصیل رشد کمالات نفسانی است که صرفاً از طریق تأثیرگذاری حاصل نمی‌شود. به عبارت دقیق‌تر، در شیوه ارتباطی کاملاً مدیریت شده علامه، عامل ارتباط در برخی لایه‌های ارتباطی بیشتر نقش تأثیرگذاری داشته و در برخی دیگر در پی تأثیرپذیری و آموختن است که طبیعتاً در قالب ارتباطات عمیق‌تر و نزدیک‌تر قابل دسترسی است (تصویر ۱):



تصویر ۱. حوزه‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در سبک ارتباطی علامه حلّی

بدین ترتیب، علامه فرایندهای تأثیرگذاری/تأثیرپذیری را به‌خوبی مدیریت می‌کند. در اینجا ارتباط میان فردی مجموعه‌ای از فرایندهای هوشمندانه و مدیریت شده بر اساس هدف است. همان‌گونه که صاحب‌نظران، اهداف را در ارتباطات مهم‌ترین ملاک برای انتخاب رفتارهای مناسب می‌دانند (وود، ۱۳۸۴: ۸۵).

اصول تربیتی بر مبنای دیدگاه علامه حلی

با تأمل در یافته‌ها می‌توان هفت اصل زیر را برای تربیت مترّیان در حوزه ارتباطات میان فردی در نظر گرفت:

● خدامحوری:

توحید، روح کلی حاکم بر فرهنگ اسلامی است و به همه جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی از جمله، ارتباطات میان فردی جهت می‌بخشد. متقابلاً، ارتباطات اجتماعی نیز بستر و وسیله گسترش و تعمیق معارف و ارزش‌های اصیل اسلامی هستند. در چنین فضایی، توصیه می‌شود که قاعده کلی حاکم بر ارتباطات انسانی، توحید، ولایت‌مداری و تولی و تبری باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴). در همین راستا، مربی باید اولاً، اعتقاد و ایمان به توحید، عشق و محبت الهی و اولویت بخشیدن به رضایت الهی در تمام موارد زندگی از جمله در سبک ارتباطی خویش در جامعه را در مترّیان تقویت کنند. این مورد را می‌توان اصل اساسی در تربیت اجتماعی مترّیان در نظر گرفت؛ زیرا بقیه اصول نیز به نوعی متکی بر همین اصل بنیادین هستند.

● عقل‌گرایی:

با عنایت به تأکید بر خویش‌داری، کنترل هیجانات و تکانه‌ها و گزینش عقلانی واکنش‌ها، جهت مدیریت صحیح ارتباطات، حاکمیت قوای عقلانی در کنش‌های فردی امری ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، یکی از برنامه‌ها و اقدامات اساسی مربی باید تقویت قوه عقل و مدیریت هیجانات و احساسات در مترّیان باشد.

● خودارزش‌بخشی:

خود را ارزشمند دانستن و برای خود استقلال قائل بودن، برای حفظ حریم‌های خود و احاطه بر فضای ارتباطی (اجتناب از سلطه‌پذیری فرهنگی)، امری ضروری است؛ احساس ارزشمندی آثار فراوانی بر جریان فکری، احساسات، تمایلات، ارزش‌ها و

رفتارهای افراد داشته، به آنها کمک می‌کند تا در تمام جنبه‌های زندگی خود معقولانه تر عمل کنند (شجاعی، ۱۳۹۶: ۳۲۵ و ۳۲۱). خودارزش بخشی به اصطلاح «عزت نفس»^۱ نزدیک است. افرادی با عزت نفس بالاتر، از استقلال و خلاقیت بالاتری برخوردارند، اهداف بالاتری را انتخاب می‌کنند و احساس کنترل بیشتری بر خواسته‌ها و امیال خود دارند (صدرالسادات و اسفندآباد، ۱۳۸۰: ۱۵). حس ارزشمندی، سپری فرهنگی است که فرد را در مقابل خطر همرنگی محافظت می‌کند (طالبان، ۱۳۸۰: ۴-۸). لذا مربی نیز باید ارزش و جایگاه واقعی و آرمان متعالی متربی را به او بشناساند و به او کمک کند تا رفتارها و عملکردهای فردی و اجتماعی خود را جهت حفظ و ارتقای هویت ارزشمند خویش تطبیق دهد؛ زیرا هر گونه ارتباطی، الزاماً به توسعه شخصیت و تحول معنوی و حتی دنیوی انسان منجر نمی‌شود.

● مردم‌داری:

همان‌گونه که در دین مبین اسلام تأکید زیادی بر حُسن خلق، خوش‌گمانی، نرمی در گفتار، گشاده‌رویی در تعاملات، پرهیز از سردی و درشتی و خشونت، بزرگواری و اغماض و تغافل، و نیز احترام عمومی به افراد وجود دارد، در اینجا نیز مربی باید تقویت این حُسن خلق عمومی را نسبت به عموم مردم جامعه در میان متریبان در برنامه خود قرار دهد. طبیعتاً حفظ میزان پایه‌ای از حسن خلق و کرامت و احترام نسبت به عموم، از سویی خود نوعی آموزش و تأثیرگذاری بر مخاطبان و اصلاح آنان است، از سوی دیگر نوعی جهاد با نفس بوده و منجر به رشد شخصیتی خود فرد می‌شود؛ از طرف دیگر، جو برادری و آرامش و گذشت و مدارا را در جامعه تقویت می‌کند و در نهایت، خود نوعی تبلیغ عملی دین اسلام است.

● انتخاب‌گری:

یکی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت‌های ارتباطی، «نیت و قصد» طرفین است (شوتس ایشل^۲، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۶). به هر حال، ارتباط‌گر دارای نیت خاصی است و نیت او می‌تواند آشکار یا نهان باشد. حتی ممکن است که فرد نیت تأثیرگذاری بر دیگران را نداشته باشد؛ گرچه به‌طور معمول ارتباط‌گر قصد تأثیرگذاری دارد

1. self-esteem
2. Schutzzeichel

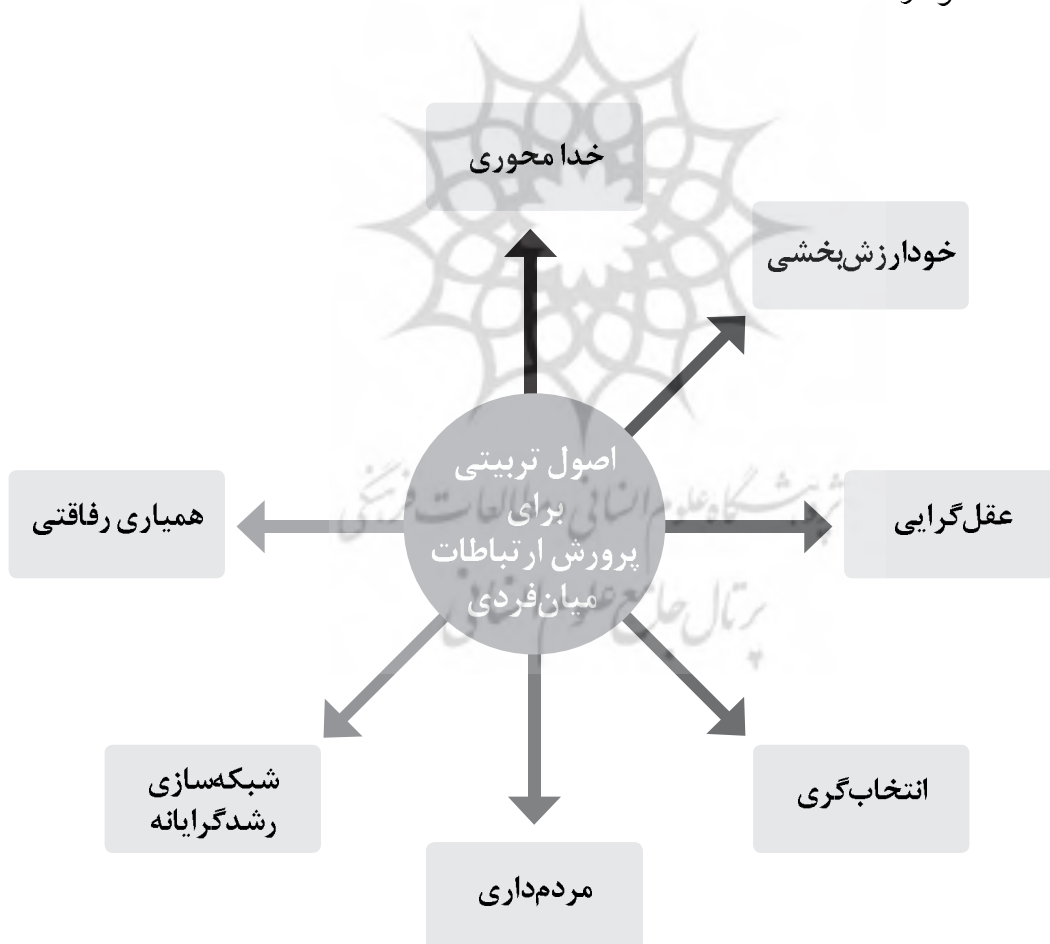
(بلیک و هارولدسون، ۱۳۹۰: ۹۹) و تلاش می‌کند تا دیگری را به نوعی تحت کنترل خود درآورد (محمدی، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۲). از سوی دیگر، روابط میان فردی نیز گرچه ابتدا ناپایدار است، اما افراد کم‌کم این ارتباط را تقویت می‌کنند و ممکن است پیوندهای عمیق بین آنها برقرار شود (محسنیان‌راد، ۱۳۹۴: ۲۵۹-۲۶۰) که این ارتباطات و تأثیرپذیری‌ها نیز ممکن است الزاماً در راستای اهداف اولیه و اصیل فرد نباشد. لذا مربی باید به مترئیان یاد دهد که برای رسیدن به اهداف خاص خود و یا حفظ مسیر درست خویش، لازم است طرف ارتباط را نیز در همان راستا «انتخاب» کنند. بدین ترتیب، گزینش‌گری، تابع هدف‌مندی در ارتباطات است؛ و بر خلاف بسیاری از مدل‌های ارتباطی موجود که (احتمالاً بر پایه نوعی تساهل و تسامح) الگویی یک‌دست (و عموماً ایجابی) را برای روابط میان فردی پیشنهاد می‌نمایند، در این جا مربی، لایه‌ای بودن ارتباطات و به کار گیری رویکردهای متفاوت را برای ارتباط با مخاطبان مختلف به مترئیان می‌آموزد.

● همیاری رفاقتی:

تأثیر شبکه دوستان نزدیک بر انسان - چه تأثیرات مثبت و چه تأثیرات منفی - همواره مورد تأکید پرورش‌کاران بوده است. علامه طباطبایی ضمن توصیه اکید بر سالم بودن محیط رفاقتی انسان، می‌فرماید مخالطه با اهل معصیت انسان را با گناه مانوس می‌کند و احتمال انجام اعمال زشت را بیش‌تر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۰۲). لذا در امر تربیت، انتخاب شبکه دوستان نزدیک به گونه‌ای که موجبات رشد همدیگر را فراهم آورند، اصل مهمی است. این شبکه‌سازی باید به صورت آگاهانه و سنجیده انجام شود. زمانی که افرادی با اهداف، ارزش‌ها و علایق مشترک و سازگار، ارتباطات نزدیک‌تر و قوی‌تری با هم برقرار کنند و نوعی شبکه اجتماعی تشکیل دهند، این شبکه اجتماعی مرزهایی ایجاد می‌کند، از میزانی از ثبات و پایداری برخوردار است و در داخل شبکه، افراد اطلاعات مرتبط‌تر را به صورت موثرتری جذب و پردازش می‌کنند، خودشان رشد می‌کنند و به رشد همدیگر و رشد کل شبکه یاری می‌رسانند (کاستلز، ۱۳۹۶: ۲۰-۲۲). بدین ترتیب، طراحی آگاهانه و سنجیده شبکه دوستان مترئیی، یا کمک به او در این راستا، مفید نیز یکی از اصول مهم تربیت اجتماعی است.

● شبکه‌سازی رشدگرایانه:

اصطلاح شبکه ارتباطی، نشانگر نظامی برای انتشار آگاهی در میان اعضای یک گروه است (بلیک و هارولدسون، ۱۳۹۰: ۳۵). شکل ارتباط اعضا درون شبکه می‌تواند مبادله‌ای، سلسله‌مرتب یا شکل‌های دیگر ارتباط اجتماعی باشد که شکل این روابط نتایج مهمی برای کنش‌های مورد نظر و امکانات کنشی کنشگران به دنبال دارد (بکرت، ۱۳۹۴: ۳۸۸-۳۸۹). در اینجا بر خلاف شبکه‌های دوستی که شکل ارتباط مبادله‌ای است، بیشتر ارتباط سلسله‌مراتبی (مبتنی بر روابط استاد-شاگردی) در میان اعضا برقرار است. و این امر نیز به نوبه خود برای هدایت و رشد مترقی، امر ضروری است (نمودار ۲).



نمودار ۲. اصول تربیتی ناظر بر پرورش ارتباطات میان فردی

بحث و نتیجه‌گیری

برای کسانی که در زمینه تربیت اجتماعی نسل جدید فعالیت می‌کنند، یک سؤال اساسی مطرح است: وضعیت مطلوب (اصول) ارتباطات میان فردی به چه صورتی است و مترئیان چگونه باید با اطرافیان خود ارتباط برقرار کنند؟ اگر پاسخ این سؤال روشن شود، آن گاه باید پرسید رئوس و اصول برنامه‌های تربیت اجتماعی، در حوزه ارتباطات میان فردی، کدامند؟

در این مقاله، ابتدا تلاش شد تا اصول ارتباطات میان فردی بر اساس دیدگاه علامه حلی به دست آید. رویکرد اسلامی حاکم بر یافته‌های این پژوهش، آن را از آثار مرتبط قبلی (مانند: فرهنگی، ۱۳۷۹؛ قربانی، ۱۳۹۴؛ دامغانیان و همکاران، ۱۳۹۷) متمایز می‌سازد و چندلایه‌ای و اختصاصی بودن آن نیز، وجه تمایز آن با برخی مدل‌های اسلامی در این حوزه (مانند: گلاب‌بخش، ۱۳۹۰؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۴) می‌باشد.

هم‌چنین، بر اساس یافته‌ها، هفت اصل تربیتی برای پرورش ارتباطات میان فردی پیشنهاد گردید: خدامحوری، خودارزش‌بخشی، عقل‌گرایی، انتخاب‌گری، مردم‌داری، شبکه‌سازی رشدگرایانه و همیاری رفاقتی.

سبک ارتباطات میان فردی علامه حلی را می‌توان عقلانی و کاملاً هدف‌مند (با تأکید بر خویش‌داری، کنترل هیجانات و تکانه‌ها و گزینش عقلانی واکنش‌ها) و نه مبتنی بر عواطف انسانی دانست. در اینجا - برخلاف الگوهای رایج - دستورالعمل واحد و یک‌نواختی برای کلیه ارتباطات فرد با اعضای جامعه توصیه شده است؛ بلکه شاهد الگوپردازی لایه‌ای و اختصاصی برای اعضای گوناگون جامعه خود هستیم و رفتارها و واکنش‌های اختصاصی به گونه‌ای چینش می‌شوند که در نهایت هر کدام به نوبه خود زمینه‌ساز رشد و تکامل کمالات نفسانی و معنوی فرد قرار می‌گیرند.

از دیگر ویژگی‌های این سبک ارتباطی می‌توان به مردم‌دوستی همراه با خودارزش‌بخشی، استقلال شخصیتی و احاطه بر فضای ارتباطی اشاره نمود؛ یعنی برخلاف برخی الگوهای رایج، شاهد تأکید افراطی بر مردم‌دوستی نابجا به گونه‌ای که رشد حقیقی فرد مغفول واقع شود، نیستیم و به هر حال، فرد به‌طور عاقلانه و هدف‌مندانه شیوه ارتباطات خود را در لایه‌های مختلف مدیریت و مهندسی می‌نماید. توجه و مدیریت تأثیراتی که فرد در قالب ارتباطات از دیگران می‌پذیرد از دیگر نکات جالب توجه دیدگاه علامه

است. بدین معنا که آدمی با رویکرد رشدگرایانه خویش باید مراقبت نماید تا خود را فعالانه در معرض تأثیرات مثبت از جانب اعضای رشد یافته جامعه قرار دهد و به طور جدی از روابط آسیب زا احتراز نماید؛ لذا وسعت و عمق ارتباطات نیز بسته به مخاطبان متفاوت است و مدیریت می شود.

در نهایت، پیشنهادات زیر برای تکمیل روند پژوهشی در این حوزه قابل طرح است:

- بررسی ارتباطات اجتماعی و ارتباطات میان فردی در کلیه آثار علامه حلی

- طراحی برنامه های عملیاتی در حوزه تربیت اجتماعی بر اساس دیدگاه علامه حلی

برای مدارس و مراکز آموزشی

- بررسی تطبیقی دیدگاه علامه حلی با سایر اندیشمندان (به ویژه اندیشمندان غربی)

در این حوزه

هم چنین، با توجه به یافته های پژوهش، می توان پیشنهادات زیر را برای دست اندرکاران

تربیت مطرح نمود:

- برگزاری دوره های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان و مربیان مدارس جهت

آشنایی عمیق تر با مباحث و اصول تربیت اجتماعی

- آگاه سازی والدین و خانواده ها از اصول تربیت اجتماعی از طریق رسانه های جمعی

- آشنا نمودن کودکان و نوجوانان با اصول ارتباط میان فردی متناسب با فرهنگ

اسلامی از طریق برنامه های تلویزیونی ویژه آنها

- طراحی و تدوین برنامه های آموزشی مجازی ارتباطات میان فردی برای عموم مردم

(از طریق شبکه های اجتماعی مجازی)

- اسمیت، فیلیپ جی. (۱۳۷۱). فلسفه آموزش و پرورش. ترجمه سعید بهشتی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- امین، سیدمحسن. (۱۴۰۶ ق). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. جلد دوم. تهران: مدرسه.
- بکرت، ینس. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی شبکه. در: *دیرک کسلر. نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن‌ها*. ترجمه کرامت‌اله راسخ. تهران: نشر آگه.
- بلیک، ریچد؛ هارولدسون، ادوین. (۱۳۹۰). *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: سروش.
- بی نا (۱۳۷۶). *وصیت علامه حلی قدس سره به فرزندش*. پیام حوزه، ۱۴، ۱۵۱-۱۶۰.
- پست، امیلی؛ پست، پیتر؛ پست، آنا؛ پست، لیزی؛ پست، دانیل (۱۳۹۶). *کتاب جامع آداب معاشرت در محیط کار*. ترجمه مریم تقدیسی. تهران: پندار تابان.
- حری، عباس. (۱۳۸۳). ارتباط علمی و اختلاف پتانسیل اطلاعاتی. *اطلاع‌شناسی*، ۲(۲)، ۳۲-۲۱.
- حسینی، داوود. (۱۳۹۴). *روابط سالم در خانواده*. قم: بوستان کتاب.
- حسینی بیرجندی، سید مهدی. (۱۳۹۳). *روابط غیرکلامی در مشاوره و خانواده درمانی*. تهران: رشد.
- حلی، ابومنصور، حسن بن یوسف. (۱۴۰۷ ق). *کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلی، ابومنصور، حسن بن یوسف. (۱۳۸۶). *باب حادی عشر*. شرح فاضل مقداد. ترجمه و تحقیق محسن غرویان. قم: دارالعلم.
- حیدرپور، حسن؛ صادق زاده قمصری، علیرضا؛ سجادی، سید مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه‌درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۴)، ۶۶-۳۵.
- خوانساری، محمد. (۱۳۶۶). *دوره مختصر منطق صوری*. تهران: دانشگاه تهران.
- دامغانیان، حسین؛ رستگار، عباسعلی؛ یزدانی زیارت، محمد. (۱۳۹۷). طراحی و تبیین مدل شایستگی در ارتباطات بین فردی سازمانی. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۲۷(۸۸)، ۱۴۳-۱۷۴.
- سبحانی نیا، محمد تقی. (۱۳۹۲). *رفتار اخلاقی انسان با خود*. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- شجاعی، محمد صادق. (۱۳۹۶). *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- شوتس ایشل، رینر. (۱۳۹۱). *مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات*. ترجمه کرامت‌اله راسخ. تهران: نشر نی.
- صدرالسادات، سید جلال؛ اسفندآباد، حسن شمس. (۱۳۸۰). *عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه*. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- طالبان، محمد رضا. (۱۳۸۰). *دین داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزی، الهه؛ زندی پور، طیبه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی بر رضایت شغلی کارکنان سایا. *یدک. مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، ۱۰(۲)، ۷۱-۵۱.
- فتحعلی، محمود. (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۲). *اخلاق حرفه‌ای*. تهران: نشر مؤلف.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی یاریگری*. تهران: نشر ثالث.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۹). *ارتباطات انسانی*. تهران: انتشارات درس.

- قربانی، نیما. (۱۳۹۴). سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی. تهران: نشر بینش نو.
- کارلیسل، ف. (۱۳۹۶). روان‌شناسی برای والدین از تولد تا نوجوانی. ترجمه فریده فتوحی. تهران: پندار تابان.
- کاستلز، م. (۱۳۹۶). قدرت ارتباطات. ترجمه حسین بصیریان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوشی، زهرا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله؛ محبی، علی؛ آرمند، محمد. (۱۳۹۷). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی با رویکرد اجتماعی در دوره ابتدایی و ارائه مدل مفهومی... مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۲): ۱۱۷-۱۴۲.
- گلاب‌بخش، زینب. (۱۳۹۰). بررسی عناصر پایداری ارتباط میان‌فردی در قرآن و روایات. فرهنگ پژوهش، ۱۰، ۱۱۱-۱۴۱.
- گلمن، دانیل. (۱۳۹۷). هوش اجتماعی. ترجمه هوشیار رزم آرا. تهران: لیوسا.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۴). ارتباطات انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، مجید. (۱۳۸۲). دین و ارتباطات. تهران: کویر.
- مروتی، سهراب؛ حسینی‌نیا، سید محمدرضا؛ سیفعلی‌ئی، فاطمه. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم انضباط گفتاری در قرآن و استخراج دلالت‌های ضمنی آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۴): ۹۵-۱۲۸.
- مولانا، حمید. (۱۳۹۰). دانش ارتباطات. تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر.
- مهدی‌زاده، سجاد. (۱۳۹۴). الگوی ارتباطات انسانی مطلوب در فرهنگ اسلامی. دین و سیاست فرهنگی، ۵، ۹۹-۱۲۰.
- نوکاریزی، محسن؛ نارمنجی، سید مهدی. (۱۳۹۲). آشنایی با اطلاعات و ارتباطات. تهران: سمت.
- وود، جولیا تی. (۱۳۸۴). ارتباطات میان‌فردی؛ روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: شهر کتاب مهتاب.
- Floyd, K. (2009). *Interpersonal communication: The whole story*. Boston: McGraw-Hill.
- Jennifer, M. A. J., Wefald, K. W., & Van, I. (2016). Transformational leader attributes: Interpersonal skills, engagement, and well-being. *Leadership & Organization Development Journal*, 37(5), 1-30.
- Keyton, J., Caputo, J. M., Ford, E. A., Fu, R., Leibowitz, S. A., Liu, T., & Wu, C. (2013). Investigating verbal workplace communication behaviors. *Journal of Business Communication*, 50(1), 152-169.
- Pipsa, P., & Tarja, V. (2013). Measuring interpersonal communication competence in SME internationalization. *Journal of Intercultural Communication*, 33(1), 1-23.
- Robbins, S. P. (2005). *Organizational behavior*. 11th ed. Prentice Hall India.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی